

Research Paper

Regional Approach of Energy Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in 13th Government; Comparative Review



*Davood Karimipour¹

1. Department of International Relations, Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.



Citation Karimipour D. (2022). [Regional Approach of Energy Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in 13th Government; Comparative Review (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(Special Issue), 40-67. <https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699880>

<https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699880>



Received: 06 Jul 2022

Accepted: 11 Sep 2022

Available Online: 22 Nov 2022

Keywords:

Iran, Energy Diplomacy, Foreign Policy, Regionalism

ABSTRACT

Energy diplomacy displays different functions in regional and international environments. Therefore, regional approaches of governments also have a great impact on its performance. While the Iranian post-revolutionary governments have always sought to improve relations with their neighbors, the lack of a specific mechanism in this field has caused Iran's energy diplomacy to remain underdeveloped and limited. This article, with a comparative study of regionalism in Iranian post-war governments, and with a descriptive-analytical method, seeks to answer the question, what model of regionalism can help to activate the energy diplomacy of the Islamic Republic of Iran? Due to the fact that this article is exploratory, therefore, no hypothesis has been conceived for this research. The findings of the article show that among the integration patterns, the cultural-historical approach of the Raeesi government based on the neighborhood policy had the most alignment and companionship with energy diplomacy, and therefore, by activating the capacities of the neighborhood, it was able to combine the anti-sanctions function for the first time in the Islamic Republic of Iran.

* Corresponding Author:

Davood Karimipour, PhD.

Address: Department of International Relations, Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

E-mail: Karimipour.d@chmail.ir

مقاله پژوهشی

رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم

* داود کریمی‌پور^۱

۱. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

دیپلماسی انرژی در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کارکرد متفاوتی از خود به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین رهیافت‌های منطقه‌ای دولت‌ها نیز بر عملکرد آن تأثیر بسزایی دارند. درحالی‌که دولت‌های پس از انقلاب همواره به دنبال بهبود روابط با همسایگان بوده‌اند، اما فقدان سازوکار مشخص در این زمینه سبب شده تا دیپلماسی انرژی ایران، رشد نیافته و محدود باقی مانده‌است. این مقاله با بررسی تطبیقی منطقه‌گرایی در دولت‌های پس از جنگ تحمیلی و با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که چه الگویی از منطقه‌گرایی می‌تواند به فعال‌سازی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران کمک کند؟ با توجه به اینکه این مقاله از نوع اکتشافی است؛ بنابراین فرضیه‌ای برای این تحقیق متصور نشده‌است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که از میان الگوهای هم‌گرایی، رهیافت فرهنگی تاریخی دولت سیزدهم مبتنی بر سیاست همسایگی، بیشترین هم‌سویی و همراهی را با دیپلماسی انرژی داشته و توانسته با فعال‌سازی ظرفیت‌های همسایگی، کارکرد ضد‌تحریمی را برای نخستین بار در جمهوری اسلامی ایران به همراه بیاورد.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

اران، دیپلماسی انرژی، سیاست خارجی، منطقه‌گرایی

* نویسنده مسئول:

دکتر داود کریمی‌پور

نشانی: تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، گروه روابط بین‌الملل.

رایانامه: Karimipour.d@chmail.ir

مقدمه

نویسندگان معتقدند تقویت روابط درون منطقه‌ای و سپس مناسبات میان منطقه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ سیاست نومنطقه‌گرایی در فرایند جهانی شدن باشد. دهقانی فیروزآبادی در «ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده‌است که اثرگذاری راهبرد منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متضمن و مستلزم تلاش برای تحقق همه سطوح و اشکال‌گرایی و همکاری در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی در گستره منطقه آسیای جنوب غربی است. فصل مشترک این پژوهش‌ها تأکید بر منطقه‌گرایی به‌عنوان بهترین مسیر دستیابی به اهداف و منافع ملی است.

دسته دوم این پژوهش‌ها به مطالعه نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند. در این راستا، صادقی و همکاران در پژوهش «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل» باور دارند بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی زمینه لازم را برای کاهش محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران فراهم می‌کند.

پورا احمدی و ذوالفقاری معتقدند، غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی و لحاظ نکردن نگاه بلندمدت و راهبردی سبب شده تا نتوان از مزیت‌های این مهم در سیاست خارجی استفاده کرد. نوآوری پژوهش ذیل در برابر این آثار آن است که با بررسی رویکرد منطقه‌گرایی در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران سعی در ارائه چارچوبی تحلیلی برای بررسی رهیافت منطقه‌ای مناسب دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد.

دیپلماسی انرژی کارکردهای مختلفی در سیاست خارجی کشورها دارد. درحالی‌که عموماً این ابزار مؤثر در محیط‌های جهانی با خرید و فروش و نیز مبادلات جهانی انرژی شناخته می‌شود، اما در محیط منطقه‌ای علاوه بر اینکه می‌تواند منافع اقتصادی سرشاری برای کشورها به همراه بیاورد، یکی از بهترین ابزارها به‌منظور پیشبرد صلح و ثبات به‌شمار می‌رود.

مسئله این تحقیق کشف ارتباط میان الگوهای منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عملکرد دیپلماسی انرژی است. این تحقیق تلاش می‌کند تا مبتنی بر تجربه دولت‌های پس از جنگ تحمیلی، الگوی مناسبی را برای فعال‌سازی دیپلماسی انرژی شناسایی کند. در این زمینه تاکنون چند اثر پژوهشی نگاشته شده که در این رابطه می‌توان ۲ دسته اثر علمی را شناسایی کرد:

دسته اول این پژوهش‌ها به بررسی منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سعی در تبیین رویکردهای منطقه‌ای ایران داشته‌اند. در این زمینه، پژوهش کیهان بزرگر با عنوان «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران» کامل‌ترین اثری است که توانسته الگوهای منطقه‌ای سیاست خارجی ایران را تا دولت احمدی‌نژاد بررسی کند. تحولات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک در سطح منطقه خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، جایگاه منطقه‌گرایی را در سیاست خارجی ایران تقویت کرده‌است.

اثر دیگری که در این زمینه قابل اشاره است، با عنوان «نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران» به قلم دهشیری و جعفری است. در این مقاله

۱. پیشینه پژوهش

درواقع، حرکت به سمت منطقه‌گرایی و هم‌گرایی لزوماً برخاسته از فرصت‌های ژئوپلیتیک نیست. به این معنا که هر کشوری، ولو در صورت داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب و ارتباط گسترده با همسایگان نمی‌تواند در زمینه تحقق سیاست همسایگی و هم‌گرایی منطقه‌ای موفق عمل کند. در واقع، انتقال روابط سازنده از یک دولت همسایه به چند دولت همسایه (که به آن همکاری‌های منطقه‌ای می‌گویند، کاری دشوار است. این امر مهم مستلزم هدایت به دست یک قدرت جهانی یا قدرت منطقه‌ای است (طاهاهی و موسوی‌نیا، ۱۴۰۰: ۵-۴).

اراده قدرت‌های منطقه‌ای و ذهنیتی که آن‌ها از محیط پیرامونی خود دارند، نقش اصلی در توسعه روابط منطقه‌ای دنبال می‌کند. همچنان‌که نمی‌توان نقش مؤلفه‌های اقتصادی و روابط مبتنی بر نیازمندی‌های انرژی را برای ارتقای روابط نادیده گرفت، نوکارکردگرایان معتقدند هم‌گرایی اقتصادی، تقریباً موجب افزایش تعامل میان بازیگران در یک منطقه هم‌گرا می‌شود. در واقع، از نظر این نظریه‌پردازان، نقطه آغاز هم‌گرایی منطقه‌ای، بسط روابط اقتصادی ۲ یا چندجانبه است که در نهایت به وحدت سیاسی منجر می‌شود (هتته، ۲۰۰۳: ۲۸).

هم‌گرایی از نظر نوکارکردگرایان یک فرایند است، نه یک وضعیت نهایی. فرایندی که طی آن کنش‌گران به ایجاد نهادهای منطقه‌ای دست زده و انتظارات و فعالیت‌های آن‌ها به‌مرور دستخوش تغییر می‌شود (نیمن و همکاران، ۲۰۱۹: ۵). نوکارکردگرایی معتقد است کنش‌گران فراملی شامل شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع در شکل‌گیری فرایند هم‌گرایی نقش مهمی ایفا می‌کنند (گهرینگ، ۱۹۹۶: ۲۲۹).

اینکه چه ارتباطی میان دیپلماسی انرژی و رهیافت منطقه‌گرایی وجود دارد را می‌توان از دیدگاه‌ها و رهیافت‌های تحلیلی متفاوتی تحلیل کرد، اما در دولت سیزدهم، دیپلماسی انرژی عموماً ۲ کارکرد توأمان را دنبال کرده‌است: تلاش برای کاستن از فشار سیستمی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از یک‌سو و هم‌زمان ارتقای سطح روابط با دولت‌های همسایه، سبب شده تا دیپلماسی انرژی عموماً به‌عنوان ابزار کارآمدی در زمینه ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی دولت سیزدهم تبدیل شود. بدین منظور در چارچوب نظری این مقاله به نقش قدرت‌های منطقه‌ای در فرایند هم‌گرایی و تبیین آن از منظر نوکارکردگرایی پرداخته می‌شود.

روند هم‌گرایی منطقه‌ای صرفاً مبتنی بر تقاضا شکل نمی‌گیرد. ایراد عمده‌ای که نظریه‌های اقتصاد نهادی در این زمینه دارند، آن است که در زمینه هم‌گرایی منطقه‌ای فقط به تقاضا توجه کرده و عرضه را نادیده می‌گیرند. این در حالی است که مهم‌ترین شرط در توسعه و موفقیت هم‌گرایی منطقه‌ای، اراده قدرت‌های سیاسی است. در واقع، تا زمانی که قدرت‌های سیاسی هم‌گرایی منطقه‌ای را هم‌سو با منافع خود ارزیابی نکنند.

به‌عبارت‌دیگر، هنگامی که حجم قدرت اقتصادی یک بازیگر سیاسی نسبت به دیگر کشورها بسیار بزرگ‌تر باشد، قدرت منطقه‌ای منافع خود را هم‌سو با تعمیق هم‌گرایی ندیده و در عوض، به دنبال تقویت قدرت و اقتدار منطقه‌ای خویش حرکت می‌کنند؛ بنابراین برخی قدرت‌های سیاسی بر این باور هستند که تا زمانی که بدون هم‌گرایی منطقه‌ای، فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها روند روبه‌رشد خود را ادامه می‌دهد، نیازی به پیگیری سیاست‌های منطقه‌محور نیست (ماتلی، ۱۹۹۹: ۳).

پ) سومین مفروض این نظریه، انتخاب عقلایی نرم است. هاس، نظریه پرداز نوکار کردگرایی معتقد است ترجیحات کنش گران ثابت و غیرقابل تغییر نیست، بلکه آن‌ها می‌توانند ارزش‌های خود را بازتعریف کرده و در ترجیحات خود تجدیدنظر کنند. چنین رفتاری منطقی از کنش گران عقلایی زمینه را برای همکاری و هم‌گرایی فراهم می‌کند (هاس، ۲۰۰۱: ۲۳). در چنین منطقی، کنش گران می‌توانند سیاست‌های خود را مبتنی بر تغییر پویاها و سیاست‌های منطقه تغییر دهند. دولت‌ها بر اساس تحولات منطقه‌ای یا تغییرات سیاسی، رویکرد منطقه‌ای خود را تغییر دهند.

درواقع، منطقی رفتاری کنش‌گری که در محیط جغرافیایی خود در تعقیب سیاست همسایگی است، یک رویکرد مبتنی بر حل و فصل تنش‌ها و جست‌وجوی فرصت‌های هرچه بهتر برای همکاری‌های گسترده است. در این زمینه، دولتی که می‌کوشد تا سیاست همسایگی را با کمک روابط بهبود یافته دنبال کند، باید نسبت به حل و فصل اختلافات منطقه‌ای در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و امنیتی اقدام کند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

از جمله ابزارهایی که در زمینه منطقه‌گرایی، نقش بسیار مؤثری در سال‌های گذشته داشته، مبادلات و همکاری‌های بخش انرژی است. به دلیل نیاز حیاتی کشورها به تأمین سوخت و انرژی مورد نیاز، تأمین انرژی از محیط پیرامونی و به ویژه کشورهای همسایه مزیت مهمی به شمار می‌آید که به نوبه خود می‌تواند فرایند هم‌گرایی و اثر تسری را در روابط منطقه به همراه آورد. در این زمینه، دیپلماسی انرژی نقش اصلی و محوری را در تسهیل روابط مبتنی بر انرژی در محیط منطقه‌ای بر عهده دارد.

مبتنی بر این نظریه، دولت‌های ملی مستقل، سیاست‌مداران و مدیرانی که انگیزه‌های فراملی و نوآورانه دارند، می‌کوشند تا هم‌گرایی منطقه‌ای میان دولت‌ها به یک وضعیت مشخص برسد. فصل مشترک این کنش گران، درک مشترک از راهکارهاست. از نظر آن‌ها، وابستگی متقابل، نیازمند کنش جمعی برای فائق آمدن بر مسائل شناسایی شده است (نیمن، ۲۰۱۹: ۳).

نوکار کردگرایی را می‌توان یک رهیافت نخبه‌محور قلمداد کرد. بدین معنا که نخبگان و طبقه قدرتمند جامعه در فرایند هم‌گرایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این حیث، وحدت سیاسی یا جامعه منطقه‌ای که نوکار کردگرایان بدان معتقدند بیشتر ریشه در حرکت و کنش نخبگان دارد. برخلاف کارکردگرایان که دستیابی به وحدت سیاسی را از نظر همکاری‌های فنی و عملی ارزیابی می‌کنند (بواس و همکاران ۲۰۰۳: ۲۰۲)، این نظریه ۳ مفروض کلیدی دارد:

الف) برون‌گرایی: این مفروضه بیان می‌کند که بازیگران دولتی منطقه‌ای در اثر اتخاذ و اجرای تصمیمات هم‌گرایانه مجبور می‌شوند تا در واکنش به فشارهای کشورها و کنش گران متأثر بر آن‌ها، سیاست‌ها و مواضع مشترکی را در قبال آنان در پیش بگیرند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۵).

ب) دومین مفروض این نظریه، سازوکار تسری است. بر اساس این مفروض، همکاری در یک بخش، به سایر بخش‌ها تسری می‌کند. نوکار کردگرایان در عین حال معتقدند همان‌طور که موفقیت در یک بخش، همکاری در سایر بخش‌ها را به همراه می‌آورد، عدم توفیق در یک زمینه، شکست در سایر زمینه‌ها را نیز به بار می‌آورد که از آن به سازوکار برگشتی^۱ تعبیر می‌کنند (هوین، ۲۰۰۳: ۹۰).

1. Spill-Back

۱.۲. دیپلماسی انرژی و منطقه‌گرایی

کشورها برای نیل به اهداف و منافع در سیاست خارجی از منابع و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. این ابزارها معمولاً شامل ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و نظامی امنیتی می‌شود که دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در حکومت متولی آن هستند. با این حال، در نظام بین‌الملل موجود مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی، دیپلماسی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

امروزه روابط خارجی کشورها از لایه‌های دیپلماسی در سطوح مختلف تشکیل می‌شود. با توجه به افزایش اهمیت و نقش انرژی در تعاملات خارجی کشورهای مصرف‌کننده بزرگ و تولیدکنندگان عمده، دیپلماسی انرژی به‌عنوان یکی از لایه‌های اصلی در روابط خارجی این کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

کارکرد دیپلماسی انرژی به دستور کار سیاست خارجی یک کشور بستگی زیادی دارد. تمرکز بر قدرت نرم، مشارکت، تعامل، به اشتراک‌گذاری منافع و تهدیدها، حفظ جایگاه، کنترل و نفوذ خود در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله بایسته‌های لازم برای اثرگذاری دیپلماسی انرژی در محیط سیاست خارجی است.

در حالی که کارکرد دیپلماسی انرژی در محیط جهانی و بین‌المللی بیشتر در چارچوب بازاریابی و افزایش درآمدهای اقتصادی قرار می‌گیرد، در محیط منطقه‌ای، مزیت‌های دیپلماسی انرژی بیشتر سیاسی و امنیتی است. در واقع، در محیط همسایگی، کارکردهای دیپلماسی انرژی به مراتب بیشتر و متنوع‌تر خواهد بود. در یک محیط منطقه‌ای، کشورهایی که از منابع انرژی و

ظرفیت‌های جغرافیایی برخوردار هستند، به خوبی می‌توانند در فرایند هم‌گرایی فعالیت کنند. اهمیت این مقوله تا اندازه‌ای است که می‌توان از پدیده‌ای به نام منطقه‌گرایی انرژی سخن به میان آورد. این امر مهم ضرورتاً ریشه در سیستم‌های انرژی دارد که ماهیتی کاملاً منطقه‌ای دارند. بخش گسترده‌ای از سیستم‌های استحصال و توزیع انرژی، جهانی و محلی نبوده، بلکه کاملاً منطقه‌ای هستند (جانسون و ون‌دویر، ۲۰۲۱: ۱).

این مهم سبب شده تا بسیاری از دولت‌ها از طریق روابط یا نهادها، سیاست‌ها یا زیرساخت‌های مرتبط با انرژی به سوی هم‌گرایی حرکت کنند. این امر مهم انرژی را به مقوله‌ای کاملاً منطقه‌ای تبدیل کرده است (هنکوک و همکاران، ۲۰۲۰: ۲-۱). اهمیت محیط منطقه‌ای در پیگیری سیاست‌های بخش انرژی حتی سبب شده تا بازارهای منطقه‌ای نفت در کنار بازارهای جهانی ظهور کند. بسیاری از دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به‌منظور دستیابی به امنیت انرژی و خودکفایی در تأمین سوخت به توسعه و تقویت بازارهای منطقه‌ای نفت که به‌صورت اصولی و ماهیتی جهانی هستند، روی بیاورند. این امر مهم، به‌خصوص پس از ظهور نفت شیل ایالات متحده، شتاب بیشتری گرفته است (هارتمن و همکاران، ۲۰۲۰: ۵).

اساساً دیپلماسی انرژی، زمانی از اهمیت و کارآمدی برخوردار است که زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای وجود داشته باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). به‌عبارت‌دیگر، محیط اصلی اثرگذاری سیاسی و امنیتی دیپلماسی انرژی، منطقه‌ای است؛ بنابراین دولت‌هایی که مقیاس و دایره اصلی کنش دیپلماسی انرژی خود را در بازارهای جهانی دنبال می‌کنند، بیشتر انگیزه‌های اقتصادی را در کانون توجه خود قرار می‌دهند. در مقابل، دولت‌هایی که درصد

ایران نشان‌دهنده آن است که تحول گفتمانی در آن تابع تحولات مختلف در سطوح فردی، داخلی و خارجی اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی بوده‌است. با به قدرت رسیدن رؤسای جمهوری مختلف با سلائق و علائق متفاوت از یکسو و تحولات داخلی و خارجی از سوی دیگر، گفتمان‌های سیاست خارجی ایران نیز دچار تغییر و تحول می‌شود (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۴). این امر مهم به نوبه خود سبب شده تا دیپلماسی به مثابه وجه اجرایی و عملیاتی دیپلماسی و به دنبال آن دیپلماسی انرژی نیز عملکردهای متفاوتی داشته باشد.

این در حالی است که موقعیت تاریخی تمدنی، ژئوپلیتیک و سیاسی امنیتی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای است که به‌ناچار باید رویکردهای مختلفی به‌منظور عملیاتی سیاست خارجی این کشور به کار گرفته شود. به‌طور کلی می‌توان خاطر نشان ساخت که منطقه‌گرایی به‌عنوان یک رویکرد و چارچوب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ۳ گونه ظهور و بروز یافته‌است:

۱. منطقه‌گرایی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی

۲. منطقه‌گرایی فرهنگی تاریخی

۳. منطقه‌گرایی سیاسی امنیتی

در طول دهه‌های گذشته، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چالشی در ایجاد تعادل بین این ۳ رویکرد داشته‌است که به‌نوعی می‌توان از آن به‌عنوان چالش‌های نظری تمرکز بر زیرسیستم‌های مختلف منطقه‌ای در خاورمیانه عربی، آسیای مرکزی، خلیج فارس و آسیای جنوبی نام برد (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۵).

در ادامه به‌صورت مختصر، الگوی سیاست منطقه‌ای دولت‌های پس از جنگ تحمیلی بررسی می‌شود.

هستند تا از دریچه روابط اقتصادی و تجاری، به سطحی مترقی از روابط سیاسی و امنیتی دست یابند، تمرکز دیپلماسی انرژی خود را بر توسعه روابط انرژی با همسایگان و کشورهای پیرامونی قرار می‌دهند.

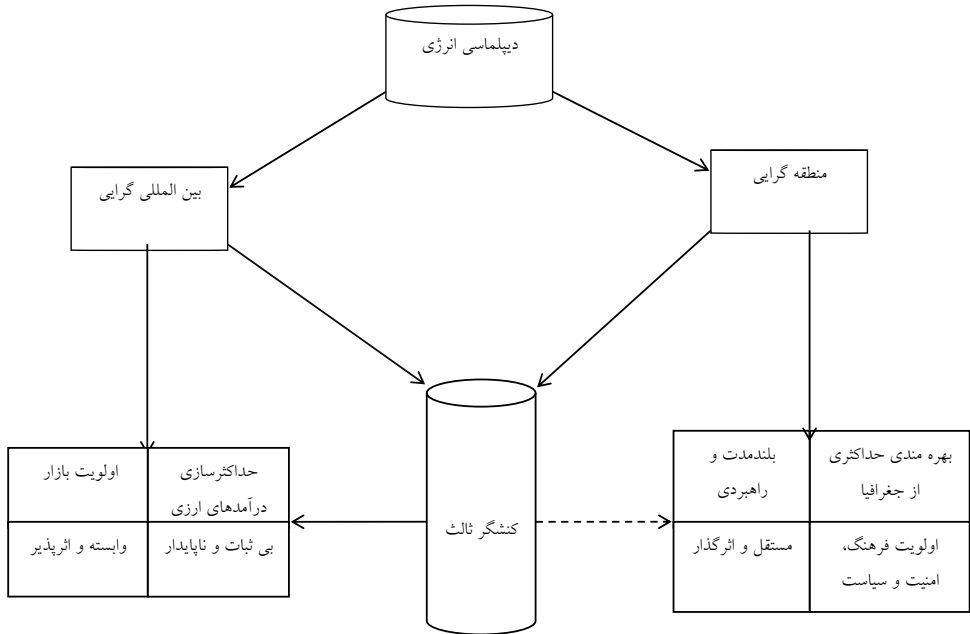
تعریف و چارچوب‌بندی دیپلماسی انرژی مبتنی بر راهبرد منطقه‌گرایی در واقع، سبب تخفیف منطق آنارشی و الگوی رفتاری خودیاری و موازنه‌سازی ناشی از آن می‌شود؛ بنابراین روابط منطقه‌ای از بازی با حاصل جمع صفر به حاصل جمع مثبت تبدیل می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۶). در چنین محیطی می‌توان امیدوار بود که همکاری‌ها در بخش انرژی که به‌طور مستقیم منافع اقتصادی و امنیت ملی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بتواند به‌عنوان یک سازوکار، حرکت به سمت منطقه‌گرایی را تسهیل کند.

تطبيق ۲ رهیافت منطقه‌گرایی و بین‌المللی با دیپلماسی انرژی نشان می‌دهد در رهیافت منطقه‌گرایی، دولت‌ها عموماً به دنبال درآمدهای اقتصادی باثبات‌تر، رویکردهای راهبردی و ایجاد ثبات در محیط پیرامونی هستند. در این رهیافت، دولت‌ها به دنبال شکست رویکردهای سلطه‌جویانه هستند. از آنجا که رهیافت منطقه‌گرایی عملاً از سازوکارهای جهانی تبعیت نمی‌کند، کشورهایی که با معضل تحریم روبه‌رو هستند، می‌توانند با تقویت رهیافت منطقه‌گرایی، بخشی از فشار سیستمی دولت‌های بین‌المللی را مهار کنند.

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. رهیافت منطقه‌ای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی انرژی

دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران کاملاً متأثر از گفتمان سیاست خارجی این کشور بوده‌است. تجربه سیاست خارجی جمهوری اسلامی



تصویر ۱. ارتباط منطقه‌گرایی و دیپلماسی انرژی (منبع: نگارنده)

۱.۱.۳. دولت هاشمی رفسنجانی

منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصولاً پس از پایان جنگ و در دوره سازندگی ظهور و بروز یافت. هاشمی رفسنجانی طی این دوره تلاش کرد تا از غلظت رویکردهای ایدئولوژیک در سیاست خارجی بکاهد و بیشتر بر اصل منافع ملی در تعامل با کشورها تکیه کند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴۱). در دولت سازندگی به دلیل آزادی عملی که ایالات متحده در نتیجه فروپاشی نظام دوقطبی به دست آورده بود و از سوی دیگر، کشورهای بی‌ثبات و تهدیدزا در محیط همسایگی ایران رشد کردند، سبب شد تا با تصاعد فشارهای سیستمی، تأمین امنیت حیاتی کشور در اولویت سیاست‌گذاری داخلی و خارجی قرار بگیرد.

دولت هاشمی که از یک سو نیازمند منابع مالی بین‌المللی برای ترمیم و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ بود و از سوی دیگر با فشارها و تحریم‌های چندجانبه ایالات متحده و تهدیدهای نوظهور منطقه‌ای مواجه شده بود، دیپلماسی عدم تعهد تهاجمی را کنار گذاشت و متوازن‌سازی چندسویه را برای مهار تهدیدها و جلب حمایت بازیگران مهم بین‌المللی به منظور تحقق اهداف کشور دنبال کرد (موسوی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴).

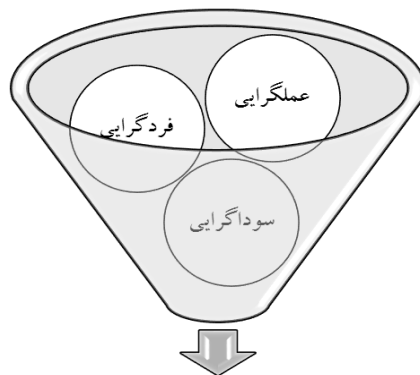
هاشمی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی ۲ اقدام اساسی را در محیط منطقه‌ای خویش دنبال کرد: ابتدا سیاست تنش‌زدایی با همسایگان، به‌ویژه کشورهای عربی و به‌طور خاص عربستان سعودی را که نقش بارزی در بازار نفت داشت، دنبال کرد

نفت را کاهش دادند، هاشمی نیز متوجه شد که نمی‌توان اهداف و رویکردهای سیاسی را از بازار نفت جدا کرد (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۹۵-۸۷).

همین رویکرد و تفکیک توسعه اقتصادی از الزامات سیاسی سبب شد تا دولت نتواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق باشد (آقایی، ۱۳۸۶: ۱۱). می‌توان خاطرنشان کرد دولت هاشمی به‌طور مشخص الگوی منطقه‌ای جامعی در دیپلماسی انرژی نداشته‌است. اگرچه او تمایل فراوانی به تنش‌زدایی با کشورهای عربی داشت، اما فقدان توازن در رهیافت منطقه‌ای سبب شد تا عملاً الگوی دیپلماسی انرژی دولت سازندگی از «الگوهای فردی» تبعیت کند. به‌عبارت‌دیگر، آنچه سبب بهبود نسبی روابط با برخی همسایگان در این رابطه شد، ارتباطات شخصی رئیس دولت با برخی از حکام منطقه بود و در غیر این صورت، نمی‌توان تحلیل یا الگوی مشخصی از دیپلماسی انرژی در دولت هاشمی یافت (تصویر شماره ۲).

و اقدام دوم نیز تلاش برای غیرسیاسی کردن اوپک بود. هاشمی که درآمدهای نفتی را به‌عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و تقویت قدرت نظامی در نظر گرفته بود، نقطه ثقل دیپلماسی انرژی خود را سیاست‌زدایی قرار داده بود. او در اولین اقدام خود جهت سیاست‌زدایی از اوپک، کشورهای عضو و دولت‌های مستقل نفت‌خیز را به اتحاد جهت افزایش قیمت نفت دعوت کرد. دیپلماسی انرژی در این دوره کاملاً برگرفته از مدیریت و نوع گفتمان سیاست خارجی دولت سازندگی قرار گرفت.

عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت سازندگی سبب شد تا دیپلماسی انرژی خارج از هرگونه مباحث ایدئولوژیک، به‌تنهایی به‌مثابه موتور درآمدهای ملی عمل کند. هاشمی در همین راستا، زمینه حضور شرکت‌های بین‌المللی را نیز در صنعت نفت ایران فعال کرد و بلافاصله پس از خروج شرکت آمریکایی کونکو، او زمینه را برای حضور شرکت توتال فراهم کرد. البته رویکرد غیرسیاسی هاشمی در دیپلماسی انرژی با تغییرات جدی همراه بود. پس از اقداماتی که سعودی‌ها در حمایت از طرح‌های منطقه‌ای ایالات متحده داشته و با عرضه مازاد، قیمت



دیپلماسی انرژی ناموازن-ناپایدار

تصویر ۲. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت هاشمی

۲.۱.۳. دولت خاتمی

با روی کار آمدن دولت خاتمی و تغییر گفتمان سیاست خارجی، عملاً الگوی جدیدی در دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. در این دوره که فشار ناشی از هزینه‌های جنگ کاسته شده، دولت بیشتر به دنبال بسط و گسترش روابط سیاسی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال شد (معین‌الدینی و انتظارالمهدی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

سیاست تنش‌زدایی به‌عنوان محور سیاست خارجی دولت اصلاحات، مشتمل بر مفاهیم و عناصری همچون دیپلماسی، گفت‌وگو، تفاهم و تعامل، درک متقابل، اعتمادسازی، احترام متقابل، پرهیز از اتخاذ مواضع تحریک‌آمیز، رقابت سازنده به‌جای خصومت و دشمنی، مدارا و بهره‌گیری از همه‌سازوکارهای موجود برای تأمین منافع و مصالح ملی بوده است (نادری، ۱۳۹۴: ۷۰).

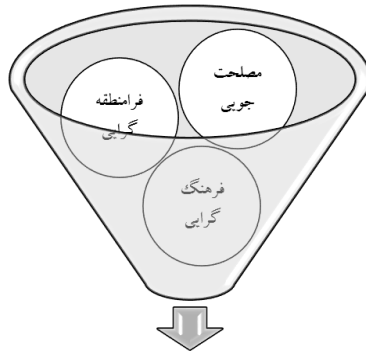
خاتمی در سیاست خارجی بیشتر سعی کرد تا از رهیافت‌های فرهنگی کمک بگیرد. به‌نظر می‌رسد وجه شباهت سیاست خارجی دولت هاشمی و خاتمی در عرصه سیاست خارجی، تکیه بر مفهوم تنش‌زدایی بوده باشد. این در حالی است که سیاست تنش‌زدایی هاشمی بیشتر با کشورهای عرب منطقه دنبال شد، اما خاتمی تلاش بیشتری کرد تا با طرح مفاهیمی همچون گفت‌وگوی تمدن‌ها به تنش‌زدایی با دولت‌های فرمانطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده اقدام کند (آل آقا و جوانمرد، ۱۳۹۹: ۱۲۴).

اتخاذ رویکردهای مصلحت‌جویانه در سیاست خارجی، به‌طور مشخص در دیپلماسی انرژی نیز در این دوره تأثیر بسزایی داشته‌است. این رویکرد سبب شد تا دولت خاتمی در دیپلماسی، راهبردهایی را همچون تعامل مؤثر، همکاری با تولیدکنندگان بزرگ

اوپک در عین رقابت و اختلاف‌نظر با آنان با هدف دستیابی حداکثری به منافع ملی و ایجاد گفت‌وگو بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان دنبال کند. دولت خاتمی در این دوره رویکردی را با سیاست افزایش امنیت عرضه نفت برای مصرف‌کنندگان از طریق اوپک و غیر آن با هدف اعتمادسازی و کاهش اثر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران و جدا کردن اروپا و ژاپن از ایالات متحده، به‌ویژه برای جلب منافع مالی و فناوری پیشرفته آن‌ها دنبال می‌کرد.

خاتمی با اتخاذ چنین رویکردی تلاش کرد تا در برابر قانون تحریم ایران و لیبی مقاومت کند. طبق این تحریم، سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار و بعد سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار ممنوع شد که سبب کاهش سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی در ایران شد. طی این دوره، بیشترین صادرات ایران به اروپا انجام شد. این سیاست سبب شد تا سرمایه‌گذاری اروپایی‌ها در این دوره، به‌ویژه در پارس جنوبی رشد کند (آجیلی و واجدی‌روشن، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۰۸).

این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که دولت خاتمی تمرکز خود را کمتر بر توسعه روابط منطقه‌ای در دیپلماسی انرژی قرار داده و بیشتر تلاش کرد تا با کمک دولت‌های اروپایی، پیامدهای تحریم‌های نفتی ایالات متحده را کاهش دهد. در چنین دوره‌ای، دیپلماسی انرژی بیشتر در چارچوب گفت‌وگو با دولت‌های منطقه‌ای و اوپک متمرکز شده و کمتر از ظرفیت‌های بومی دیپلماسی انرژی استفاده شده‌است. می‌توان گفت الگوی منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت خاتمی بیشتر گفت‌وگومحور غیرعمل‌گرا بوده‌است (تصویر شماره ۳).



دیپلماسی انرزی گفتگو-محور غیرعملگرا

تصویر ۳. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرزی دولت خاتمی

۳.۱.۳. دولت احمدی‌نژاد

شرق، جهان سوم‌گرایی، گرایش به آمریکای لاتین و گفت‌وگوی انتقادی با ایالات متحده شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۵).

در این دوره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از تلاش ایالات متحده برای تغییر نظام سیاسی ایران، ائتلاف با دوستان شرق و جنوب را در دستور کار قرار داد. تجربه شکست‌خورده همکاری با اروپایی‌ها نیز سبب شده بود تا دولت احمدی‌نژاد، توسعه روابط با جنوب را به‌طور مؤثر در دستور کار خویش قرار دهد (اطهری و خانی، ۱۳۹۵: ۲۰).

دولت نهم از سیاست نگاه به شرق به‌عنوان راهبردی برای برقراری تعادل و توازن بین نگاه به شرق و نگاه به غرب استفاده کرد. درحالی‌که در دولت قبل، نگاه به غرب از وزن بیشتری در مقایسه با نگاه به شرق برخوردار بود. درعین‌حال، سیاست نگاه به جنوب به‌منظور مقابله با سلطه‌گری شمال مورد توجه دولت نهم قرار گرفت (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

دولت نهم توسعه مناسبات تجاری با کشورهای آسیای مرکزی، روسیه، چین، هند، پاکستان، ژاپن و کشورهای مسلمان آسیای جنوب شرقی را وجهه همت

رویکرد سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد که متأثر از گفتمان اصول‌گرایی و پیگیری آرمان‌های انقلابی بود با دولت خاتمی و هاشمی تفاوت چشمگیری داشت. درحالی‌که دولت‌های سازندگی و اصلاحات در کنار توجه به سایر مناطق جغرافیایی، تمایل ویژه‌ای به کشورهای اروپایی و ایالات متحده از خود نشان داده و با ارائه این استدلال که منابع اصلی قدرت در غرب بوده و جمهوری اسلامی با ایجاد روابط قاعده‌مند با غرب، نه‌تنها می‌تواند بسیاری از مشکلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را برطرف کند، بلکه می‌تواند در سطح منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه و آسیای مرکزی نیز دستاوردهای قابل توجهی به‌دست آورد (نوری، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

طی این دوره جهت‌گیری و اصول رفتاری سیاست خارجی ایران تهاجمی شده و راهبرد عدم تعهد تجدیدنظرطلب و عدالت‌خواهی و صلح‌طلبی حداکثری بر سیاست خارجی ایران حکمفرما بوده‌است. این نوع نگاه در دولت نهم باعث بازتعریف روابط با غرب، اتخاذ سیاست نگاه به

الگوی مشخصی پیروی می‌کند.

رویکردهای انقلابی و تجدیدنظرطلبانه دولت احمدی‌نژاد به‌طور مشخص دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر قرار داد. از سال ۲۰۰۹ میزان تولید نفت ایران به‌دلیل تحریم‌ها به‌شدت کاهش یافت. با این حال، به‌دلیل افزایش چشمگیر قیمت جهانی نفت، درآمدهای نفتی دولت چندبرابر شد. دیپلماسی انرژی در جلب همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موفق نبود و با وجود امضای قراردادهای همکاری با شرکت‌های بین‌المللی، این توافق‌نامه‌ها نتوانست کمک شایانی به بهبود تولید ایران کند. علاوه بر این، اوپک نیز رویکرد رقابت‌جویانه و تقابلی با ایران را دنبال کرد (آجیلی و واجدی روشن، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

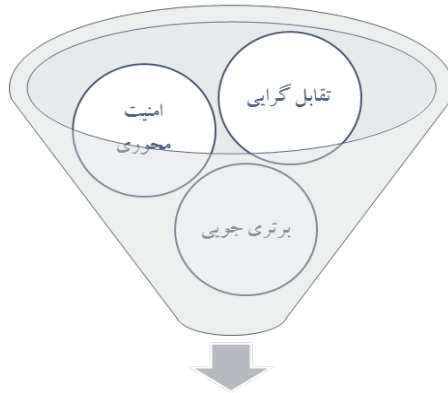
در این دوره به‌دلیل تحریم بانک مرکزی درآمدهای نفتی ایران به‌شدت کاهش یافت. همین امر نشان می‌دهد که تحریم‌های نفتی در این دوره توانسته بود بر حصول درآمدهای نفتی ایران تأثیر چشمگیری داشته باشد. این مسئله ناشی از آن بود که دولت‌های غربی فشار بر ایران از ناحیه فروش نفت را ابزار مؤثری برای وادار کردن ایران به مذاکره می‌دانستند (امینی، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۲۲).

احمدی‌نژاد با حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه و پیگیری سیاست‌های منزلت‌طلبانه در منطقه خاورمیانه، عملکرد دیپلماسی انرژی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داد. استراتژی خلاقیت اجتماعی دولت احمدی‌نژاد، رویکرد موازنه راهبردی را در منطقه پرآشوب خاورمیانه دنبال کرد. در این رابطه، تقویت پایه‌های قدرتی در محیط حساس همسایه و بالا بردن توان چانه‌زنی در برابر ایالات متحده، از جمله اهداف اساسی سیاست خاورمیانه‌ای

خود قرار داد و توسعه چنین همکاری‌هایی را نمادی از متنوع‌سازی در روابط خارجی، جابه‌جایی در بلوک‌های قدرت و سازوکارهای چندجانبه ایران در جهت ایجاد موازنه ضد همژمونیک تلقی کرد (صادقی، ۱۳۹۰: ۳۹).

با وجود رویکرد ضد غربی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و با توجه تلاش او در راستای نفی سازوکارهای نظام سلطه، در سطح منطقه‌ای و همسایگی نیز متأثر از خصومت و ضدیت با ایالات متحده بوده‌است. در این دوره، محیط منطقه‌ای ایران کاملاً امنیتی و به‌هم‌ریخته بوده‌است. افزایش قدرت طالبان، افزایش نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده و افزایش سطح قاچاق و ناامنی در افغانستان از یک‌سو و تلاش ایالات متحده برای کاهش نفوذ ایران در عراق، لبنان و سوریه و نیز افزایش حضور نظامی ایالات متحده در محیط خلیج فارس به‌گونه‌ای، رفتار سیاست خارجی را به نیمه‌متشنج/متشنج سوق می‌دهد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

وضعیت آنارشیک خاورمیانه و افزایش حضور نظامی ایالات متحده در منطقه هم‌زمان با اوج گرفتن درگیری‌ها در لبنان و فلسطین، سیاست خارجی منطقه‌ای دولت احمدی‌نژاد رهیافت منطقه‌گرایی سیاسی امنیتی و ایدئولوژیک را در دستور کار خود قرار داده و به حمایت مجدانه از گروه‌ها و احزاب آزادی‌بخش و نیروهای نیابتی ایران در منطقه روی آورد. در شرایطی که دولت احمدی‌نژاد به طرح ایده‌های انقلابی و تجدیدنظرطلبانه در سیاست خارجی روی آورده، دولت‌های منطقه تمایلی برای بهبود و گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران نداشته و به جای آن می‌کوشند تا روابط خود را با سطوح بالای قدرت جهانی هماهنگ کنند (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در چنین شرایطی، دیپلماسی انرژی ایران در سطح منطقه‌ای نیز از



دیپلماسی انرژی پنهان و بquamحور

تصویر ۴. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت احمدی نژاد

۴.۱.۳. دولت حسن روحانی

رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم برخلاف دولت نهم و دهم مبتنی بر پذیرش نسبی نظم موجود بین‌المللی، تنش‌زدایی و تعامل با قدرت‌های بزرگ بوده‌است. برخلاف دوره احمدی‌نژاد که تحقق آرمان‌های انقلاب و اصلاح نظام مدیریتی جهان در زمره اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت قرار گرفته بود و سیاست خارجی رهیافتی انقلابی را تعقیب می‌کرد، در دولت یازدهم، تحقق این آرمان‌ها در راستای اهداف بلندمدت قرار گرفت و تأمین امنیت وجودی و رفاهی به ترتیب در دستور کار اهداف کوتاه‌مدت قرار گرفت (محمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

بر پایه رهیافتی که روحانی در سیاست خارجی خویش پیاده کرد، با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، مقابله گفتمانی، نرم و تئوریک می‌شود، ولی از سوی دیگر، عادی‌سازی، بازسازی و توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ و تأثیرگذار بین‌المللی، از جمله اتحادیه اروپا در دستور کار سیاست خارجی قرار می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۵).

ایران به‌شمار می‌رود (احمدی‌خوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). رویکرد موازنه‌گرایانه و منزلت‌طلبانه دولت احمدی‌نژاد در محیط منطقه‌ای در عین تلاش برای تقویت روزافزون قدرت هسته‌ای ایران به امنیت‌سازی محیط همسایگی منجر شد.

بالطبع در چنین شرایطی، الگوی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران نیز رویکردی امنیتی گرفته و به سمت رهیافت‌های دیپلماسی پنهان نزدیک می‌شود. در این دوره، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران با ۲ معضل کلیدی روبه‌رو بوده‌است: از یک‌سو، تحریم‌های گسترده و اجماع جهانی علیه ایران سبب شد تا عملاً بسیاری از کشورها از خریدن نفت ایران سر باز زنند. از سوی دیگر، محیط امنیتی‌شده خاورمیانه نیز دولت‌های همسایه را بر آن داشت که با همکاری یکدیگر مانع توسعه نفوذ ایران در بازار نفت شوند. در واقع، تنگناهای اقتصادی و امنیتی در این دوره، الگوی منطقه‌ای دیپلماسی انرژی را به الگوی «پنهان و بquamحور» سوق داد (تصویر شماره ۴).

محمدی، ۱۳۹۶: ۸۳). علاوه بر پیامدهای سیاسی، برجام سبب شد تا تراز تجاری ایران مثبت شده و شرکای تجاری ایران به تدریج تغییر و گسترش یابد (کمالی‌اردکانی، ۱۳۹۵: ۸۷).

برجام تأثیر قابل توجهی بر عملکرد ایران در بازار نفت داشت. در این دوره با توجه به کنار رفتن تحریم‌های نفتی غرب، دولت توانست با دست بازتری نفت خود را به بازار عرضه کند. همین موضوع سبب شد تا دیپلماسی انرژی در این دوره از رهیافت پنهان و امنیتی خارج شده و عملکرد آشکار و عادی را در بازار نفت دنبال کرد. این روند به‌طور مشخص به بهبود دیپلماسی انرژی با عراق انجامید، اما این سیاست موجب بهبود روابط با عربستان سعودی نشد.

افزایش توان کنش‌گری ایران در بازار نفت، سعودی‌ها را به‌سوی روابط تنش‌آمیز با ایران سوق داد. همراهی عربستان سعودی با سیاست به صفر رساندن نفت ایران از سوی دونالد ترامپ، یکی از دلایل اصلی کاهش قیمت جهانی نفت و فشار اقتصادی بر ایران بود (علی اکبرپور، کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۹: ۲۵۰-۲۳۶).

چالش اصلی دولت روحانی، وابسته‌سازی اقتصاد کشور به نتایج برجام و امید به افزایش صادرات نفت و کسب درآمدهای قابل توجه از این مسیر بود. با خروج ایالات متحده از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های نفتی بار دیگر به محدودسازی کنش دیپلماسی انرژی کشور انجامید. سیاست ترامپ مبنی بر ارائه معافیت‌های نفتی به برخی از خریداران نفت ایران، با هدف جلوگیری از شوک به بازار نفت سبب شد تا رفته‌رفته سهم ایران از بازار نفت کم شود (رضوی و نصرافهانی، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

روحانی سعی کرد تا با راهبرد تعامل سازنده، محورهایی چون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و چندجانبه‌گرایی را در سطح جهانی و منطقه‌ای دنبال کند. در این دوره، مسئولان سیاست خارجی تلاش کردند تا رویکرد همکاری و رقابت را جایگزین تقابل یا همکاری بی‌قیدوشرط کنند و مبتنی بر آموزه‌های نئولیبرال، بازی با حاصل جمع مثبت را دستورکار قرار دهد. در چنین گفتگویی، دیپلماسی انرژی مهم‌ترین ابزار نفوذ ایران به‌شمار می‌آمده‌است (قنبری، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

دولت روحانی تکیه سیاست خارجی خود را بر حل‌وفصل برنامه هسته‌ای قرار داده بود، درحالی‌که در دولت گذشته، رشد روزافزون قدرت هسته‌ای ایران به امنیتی شدن گفت‌وگوها منطقه انجامیده، دولت روحانی تلاش کرد تا با تکیه بر دیپلماسی و مذاکره، ذهنیت تهدید ایران را ترمیم کند. دولت روحانی در فضای پس‌ابرجام تلاش کرد تا الگوهای ائتلاف منطقه‌ای را در خاورمیانه دنبال و محقق کند (خسروی باب‌اناری، ۱۳۹۶: ۵۵-۵۴). روحانی ضمن انتقاد به عملکرد سیاست خارجی دولت گذشته، به‌طور مشخص اعلام کرد که دولت او در تلاش برای بهبود روابط با همسایگان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است (صبوری، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

اما این امر مهم نیز پس از مدتی و با خروج ایالات متحده از برجام، متوقف و معکوس شد. نقطه ثقل سیاست خارجی دولت یازدهم را باید در به نتیجه رسیدن پرونده هسته‌ای دنبال کرد. به‌نظر می‌رسد سایر فعل و انفعالات سیاست خارجی ایران طی این دوره نیز متأثر از برجام و نوع روابط ایران و ایالات متحده بوده‌است. از جمله مهم‌ترین پیامدهای برجام می‌توان به تغییر موازنه قدرت به نفع ایران و به ضرر ترکیه و عربستان سعودی اشاره کرد (خیبیری و

روحانی اگرچه تلاش کرد تا با الهام از سیاست خارجی دولت سازندگی و بهبود روابط با غرب، مناسبات با همسایگان را توأمان بهبود ببخشد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۴)، اما در عمل نتوانست توفیق چندانی در این زمینه به‌دست بیاورد. مشخصه اصلی الگوی منطقه‌ای دولت سازندگی که در دولت روحانی موجود نبود، دیپلماسی فردی و غیررسمی بود که در دولت سازندگی سبب بهبود نسبی روابط با برخی از همسایگان شد.

باید خاطر نشان کرد اگر بتوان برای دیپلماسی انرژی منطقه‌ای ایران در دولت روحانی الگویی شناسایی کرد، می‌توان آن را رهیافت «واکنشی و مهارشده» تلقی کرد. این رهیافت تمام‌عملکرد و پویای خود را در واکنش به نوع روابط با غرب تعریف کرده و کاملاً با دیپلماسی انرژی دولت وقت ایالات متحده مهارشده و محدودشده بود (تصویر شماره ۵).

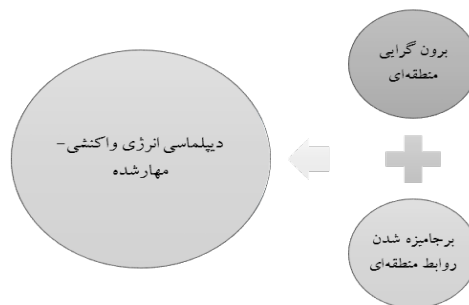
۲.۳. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم

دولت سیزدهم که تجربه رویکرد سیاست خارجی دولت گذشته را ناموفق و شکست‌خورده ارزیابی کرده بود، از زمان استقرار، تقویت روابط با همسایگان را

دولت روحانی، عملاً الگوی منطقه‌ای دیپلماسی انرژی مشخصی را زیر نظر نداشت و آنچه شکل گرفت، بیشتر تبعی و متأثر از نوع روابط با غرب بوده‌است. به‌نظر می‌رسد رویکرد منطقه‌ای دولت اعتدال‌گرا، بیشتر متأثر از نوع روابط سیاسی و اقتصادی با غرب تعریف شده بود. دولت روحانی، معتقد نبود که می‌توان الگویی منطقه‌ای را مستقل از نوع روابط با غرب تعریف کرد. این مهم سبب شد تا تحریم‌های اقتصادی و نفتی، به‌طور مستقیم، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

تمرکز صرف دولت روحانی بر مسئله هسته‌ای، سبب غفلت از فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی با کشورهای منطقه و شرکا شد (اسلامیان و حبیبی، ۱۳۹۹: ۳۴۸).

به‌نظر می‌رسد دولت روحانی اگرچه تمایل به بهبود روابط با همسایگان را در سیاست خارجی به‌طور آشکارا نشان داده بود، اما سازوکارهای لازم را برای دستیابی به این هدف، به درستی در سیاست خارجی خویش پی‌ریزی نکرده و نتوانست دستاورد مشخصی در این زمینه کسب کند (صبوری، ۱۳۹۸: ۱۰۹).



تصویر ۵. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت روحانی

کارآمدی برای نیل به این هدف طراحی نکرده؛ بنابراین نتوانستند در این زمینه به موفقیت دست یابند. بدین معنا می‌توان خاطر نشان کرد هسته اصلی گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم سیاست همسایگی است (مرندی، ۱۴۰۰: ۸۸).

دولت سیزدهم با تمرکز بر پاشنه آشیل دولت روحانی (اولویت سیاست خارجی بر سیاست داخلی) اولویت دولت خود را تمرکز بر سیاست داخلی و نگاه از درون به برون اعلام کرد. او ضمن نقد سیاست خارجی دولت روحانی و اعتماد بیش از حد به غرب، در تبیین سیاست خارجی دولت سیزدهم به موارد مهمی در سطوح مختلف اشاره کرد. در سطح ملی بر صلح‌آمیز تلاش‌های هسته‌ای ایران و تأکید بر لغو تحریم‌ها و حمایت از طرح‌های دیپلماتیک، در سطح منطقه‌ای او ضمن تأکید بر حل بحران‌های منطقه‌ای از طریق گفت‌وگوهای واقعی درون منطقه‌ای و براساس تأمین حقوق ملت‌ها، نفی دخالت بیگانگان در منطقه و سیاست حسن هم‌جواری تأکید کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، سیاست خارجی دولت سیزدهم ضمن پیگیری صلح و عدالت در عرصه روابط بین‌الملل، بر بهره‌گیری از توان کشور در جهت مقابله با کشورهای سلطه‌گر و ظالم مبتنی است (رضایی، ۱۴۰۰: ۳۰).

تکیه و تأکید دولت سیزدهم بر سیاست همسایگی، سبب شد ظرفیت دیپلماسی انرژی برای توسعه روابط منطقه‌ای به تحرک بیفتند. در نظریه همسایگی، روابط سیاسی در کنار روابط اقتصادی، فرهنگی و امنیتی توسعه یافته و منطقه‌گرایی به‌عنوان کلید تحرک و کنش سیاست خارجی تعریف می‌شود. اهمیت چنین رویکردی به‌اندازه‌ای است که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز منطقه‌گرایی به‌عنوان رویکرد غالب آن پذیرفته شده‌است (کاوایی‌راد و مالدار، ۱۳۹۶: ۲۴۵).

به‌عنوان محور و شعار اصلی خود در سیاست خارجی دنبال کرد. از این نظر، سیاست همسایگی به‌عنوان چارچوب کلی سیاست خارجی دولت رئیسی، هدایت‌کننده رفتار سیاست خارجی ایران شد. رئیسی طی سخنانی در جمع مقام‌های شرکت‌کننده در بیست و یکمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای تأکید کرد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران تمرکز بر «چندجانبه‌گرایی اقتصادی» و تقویت «سیاست همسایگی» به معنای وسیع آن و تقویت حضور در سازمان‌های منطقه‌ای خواهد بود.

همچنین حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه در گردهمایی سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه اعلام کرد سیاست همسایگی باید به یک منظومه منسجم در سیاست خارجی تبدیل شود، به‌نحوی که همه همسایگان و جمهوری اسلامی ایران از توسعه و تحکیم روابط، مناسبات و اتخاذ این رویکرد نفع ببرند.

این امر مهم نشان می‌دهد که برخلاف دولت‌های گذشته که روابط با همسایگان عموماً به‌وسیله و از کانال توسعه روابط با غرب دنبال شده بود، در این دوره، روابط با همسایگان به‌عنوان یک برنامه مستقل و مجزا از وضعیت و چگونگی روابط با ایالات متحده و اروپا تعریف می‌شود.

همان‌طور که در بخش نظری مقاله اشاره شد، رویکرد و اراده یک قدرت منطقه‌ای تأثیر بسزایی در هم‌گرایی منطقه‌ای دارد. دولت‌های گذشته در جمهوری اسلامی ایران اگرچه هر کدام تمایل و افری به بهبود روابط با همسایگان داشته و همگان نیز بر ضرورت و فواید آن آگاه بودند، اما سازوکار و راهبرد

2. <https://irna.ir/xjGVJr>

که سیاست همسایگی روابط هر کشور با همسایگان نه بر مبنای امنیت که بر مبنای اقتصاد شکل گرفته و در پرتو توسعه روابط اقتصادی و تجاری، امنیت به‌طور دسته‌جمعی به‌دست می‌آید (واعظی، ۱۳۹۸: ۸۶). دولت سیزدهم در این زمینه، درک درستی از پیگیری سیاست همسایگی داشته‌است.

بررسی تحولات انجام‌شده از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم در نتیجه روابط با همسایگان نشان می‌دهد پیگیری همکاری‌های اقتصادی در اولویت این دولت قرار گرفته‌است. چنین رویکردی سبب شد تا دیپلماسی انرژی منطقه‌ای ایران برخلاف دوره‌های گذشته به رهیافتی مشخص دست یابد.

در این زمینه، دولت سیزدهم به‌وضوح تلاش کرد تا ضمن پیگیری سیاست صادرات نفت به‌طور حداکثری، از ظرفیت‌های جغرافیایی و همسایگی نیز استفاده کند. به‌نظر می‌رسد سازوکار اصلی دولت سیزدهم برای بهبود وضعیت دیپلماسی انرژی منطقه‌ای تمرکز بر بخش ترانزیت و حل‌وفصل اختلافات گذشته بوده‌است. به‌طور نمونه می‌توان به احیای قرارداد سونآپ گاز ترکمنستان اشاره کرد که در سایه دیپلماسی انرژی واکنشی دولت روحانی به محاق رفته بود.

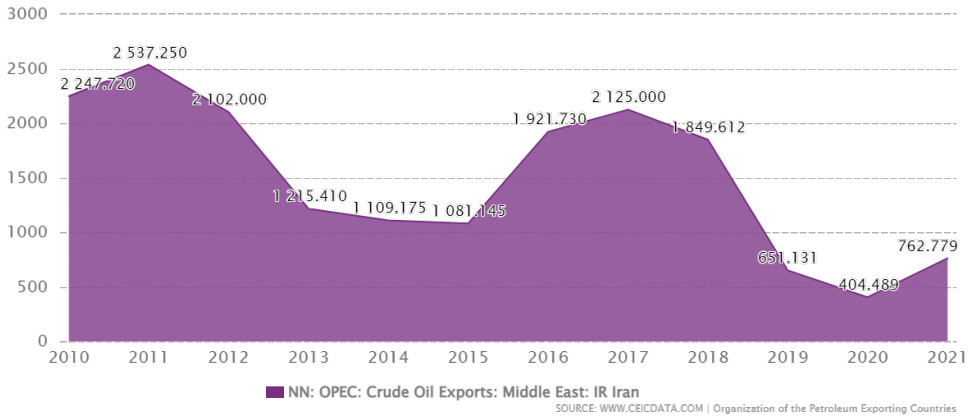
در دوره قبل، با اعمال تحریم‌های نفتی و محدودیت ایران در انجام تراکنش‌های بانکی در دولت دهم و در زمان مدیرعاملی جواد اوجی در شرکت ملی گاز ایران برای تداوم واردات گاز ارزان ترکمنستان و تسویه مالی با آن‌ها، با طرف ترکمن توافق شد که شیوه تسویه به‌صورت «تهاتر گاز با کالا» باشد. بدین‌صورت، علاوه بر تداوم واردات گاز، کالاهای ایرانی نیز به ترکمنستان صادر می‌شدند.

الزام اصلی و کلیدی در تحقق سیاست منطقه‌گرایی، پیگیری سیاست همسایگی است. در واقع، تلاش‌های گذشته در پیگیری منطقه‌گرایی با شکست روبه‌رو شده‌است. به‌نظر می‌رسد پیش‌شرط منطقه‌گرایی، بسترسازی محیط مساعد برای سیاست همسایگی است (صفوی و فرهادی، ۱۴۰۰: ۲۴).

پیگیری سیاست منطقه‌گرایی در چارچوب نظریه همسایگی به پویایی روابط منطقه‌ای ایران و همسایگان کمک می‌کند. سیاست همسایگی در دولت سیزدهم به یک مفهوم غالب در سیاست خارجی کشور تبدیل شده‌است. عامل اصلی در برجسته شدن این مفهوم که به‌نوعی مکمل مفهوم قبلی نگاه به شرق محسوب شده، توجه به ضرورت مساعدتر شدن محیط پیرامونی و کاهش تکانه‌های ناشی از تحریم‌های ایالات متحده و اثرات آن بر اقتصاد کشور و تدبیر چالش‌های ناشی از آن در فضای فرصت‌های همسایگی بوده‌است (شیرغلامی، ۱۴۰۰: ۵۱).

با توجه به اینکه عموماً وابستگی متقابل در نتیجه همکاری‌های اقتصادی به‌وجود آمده و به سایر محیط‌ها تسری می‌یابد، به‌نظر می‌رسد یکی از گام‌های اساسی به‌منظور بسترسازی سیاست همسایگی و هم‌گرایی منطقه‌ای، پیگیری سیاست‌های اقتصادی همکاری‌محور است.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، اگرچه بهبود روابط با همسایگان همواره به‌عنوان یک مسئله در سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران وجود داشته، اما تاکنون پایه اساسی سیاست خارجی ایران در میان همسایگان و در مناطق پیرامونی (در نتیجه وجود تهدیدات امنیتی) بیشتر بر ملاحظات امنیتی استوار بوده و از این‌رو، این چالش‌ها مانع از بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری شده‌است. این در حالی است



تصویر ۶. صادرات نفت ایران در دولت سیزدهم

دستاورد دیگری که دولت سیزدهم در دیپلماسی انرژی به دست آورد، احیای تدریجی بازارهای صادراتی ایران بوده است. در حالی که اختلاف نظرها پیرامون میزان صادرات نفتی ایران در دولت سیزدهم بسیار بالا گرفته است، اما آمارهای اوپک نشان می‌دهد دولت سیزدهم توانسته روند نزولی صادرات نفت را متوقف کرده و آن را افزایش دهد. تصویر شماره ۷ این واقعیت را نشان می‌دهد.

دستاورد دیگری که دولت سیزدهم در دیپلماسی انرژی منطقه‌ای داشت، وصول مطالبات مالی از عراق بود. اوجی در توثیق اعلام کرد ۱/۶ میلیارد دلار از مطالبات ایران بابت صادرات گاز به عراق وصول شده است.^۴

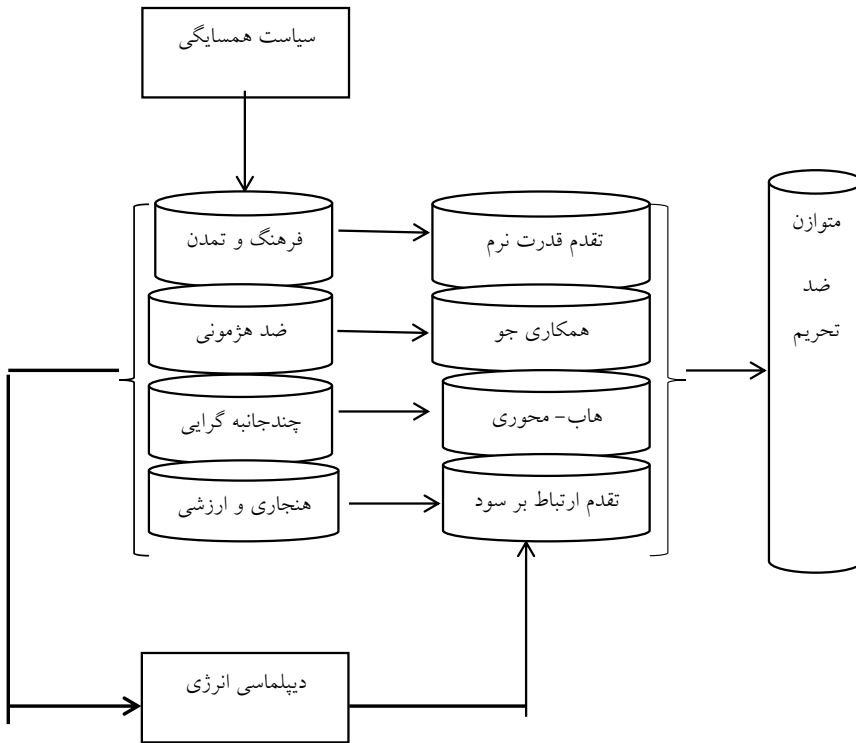
در این راستا، تحقق بیش از ۱۵۰ درصدی تعهدات ارزی وزارت نفت، تحقق ۱۱۴ درصدی سهم دولت از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی در سال ۱۴۰۰ و همچنین به‌کارگیری روش‌های تازه صادرات نفت خام از قبیل

با روی کار آمدن دولت یازدهم، بیژن زنگنه سازوکار تسویه تهاثر گاز با کالا را متوقف کرد و در اقدامی عجیب متعهد به پرداخت ارزی و جریمه دیرکرد به ترکمنستان شد. به این صورت که به دلیل گشایش نیافتن در تعاملات ارزی، بدهی ایران به ترکمنستان تا دی سال ۱۳۹۵ به مرز ۲ میلیارد دلار رسید. انباشت بدهی ترکمن‌ها موجب گلایه و اعتراض آن‌ها به دولت یازدهم شد، اما وزارت نفت دولت گذشته عنوان کرد ایران نیازی به گاز ترکمنستان ندارد. این امر مهم موجب شد با شکایت ترکمن‌ها از ایران در دادگاه‌های بین‌المللی، محکومیت ۲ میلیارد دلاری به کشور تحمیل و روابط گازی ۲ کشور از سال ۱۳۹۵ متوقف شود.

با روی کار آمدن دولت سیزدهم و پیگیری سیاست همسایگی و تأثیر مستقیم آن بر دیپلماسی انرژی این کشور، رویکرد ایران بر گسترش تعاملات اقتصادی با همسایگان متمرکز شد و بدین صورت جلسه‌های مختلفی بین مسئولان و مقام‌های ایران و ترکمنستان برگزار شد تا در نهایت روابط تجاری ۲ کشور احیا شود.^۳

4. www.shana.ir/news/458237

3. www.shana.ir/news/449580



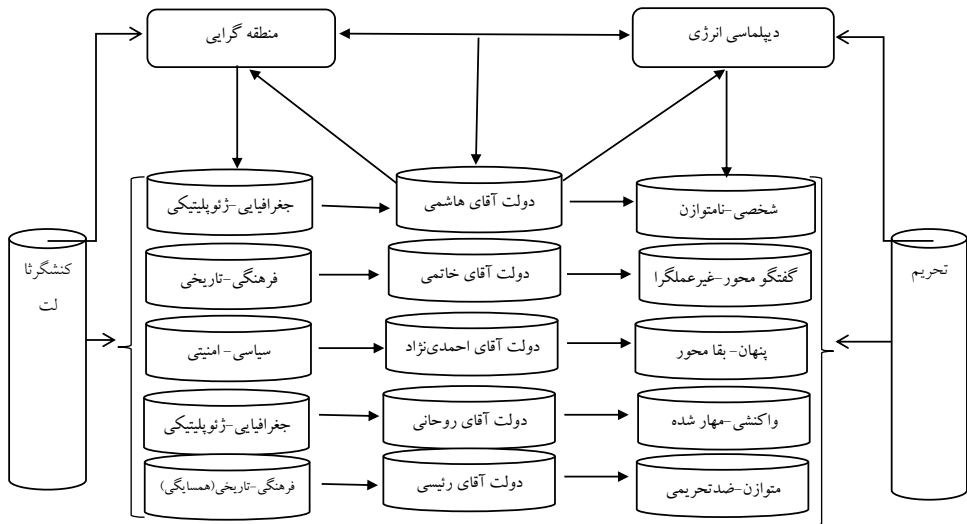
تصویر ۷. رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم (منبع: نگارنده)

نظریه همسایگی مبتنی بر رویکردی هنجاری به روابط خارجی است. این نظریه می‌گوید که کشوری که مبتکر سیاست همسایگی یا آغازکننده این سیاست است، بر مبنای عقلانیت ارتباطی هزینه می‌کند تا در آینده سود مادی همسایگی را برداشت کند. پیش‌نیاز اصلی سیاست همسایگی، ظرفیت فرهنگی و تمدنی بالا، تاریخ ممتد تأثیرگذاری بر جوامع پیرامونی و جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی است. این کشور با نادیده گرفتن الزامات ناشی از ساختار آنارشیک در نظام بین‌الملل، خود را یک دولت/ملت نمی‌داند، بلکه با اتکا به سابقه تمدنی و ظرفیت‌های

تهاتر نفت با کالا یا تهاتر نفت با سرمایه‌گذاری در کشور و تهاتر نفت خام و میعانات گازی با مطالبات پیمانکاران، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم بوده است.^۵

به نظر می‌رسد می‌توان ارتباط مشخصی میان سیاست همسایگی و دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم یافت. این ارتباط به ماهیت سیاست همسایگی و موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد.

5. www.mashalnews.ir/fa/report/9065



تصویر ۸. رهیافت‌های منطقه‌ای دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارنده)

قرار گرفتن کمیته مشترک روابط ایران و روسیه در وزارت نفت و ارتقای سطح همکاری‌ها با کشور روسیه در بخش فنی مهندسی نشان می‌دهد دولت سیزدهم، رویکرد درستی را در دیپلماسی انرژی دنبال می‌کند. اوجی در این رابطه اشاره می‌کند خوشبختانه در حوزه انرژی توافقات خوبی داشتیم. هم در بحث توسعه میدان‌های مشترک، میدان‌های مستقل نفت و گاز و سرمایه‌گذاری مشترک و هم در حوزه پتروشیمی، دانش فنی، صدور کاتالیست‌ها و بحث سوآپ گاز، سوآپ فرآورده‌های نفتی و حتی نفت خام در قالب کارگروهی مشترک توافقات خوبی انجام شد.^۷

ازجمله دستاوردهای مهم دیگری که دولت سیزدهم توانست علی‌رغم تحریم‌های پسابرجامی در عرصه دیپلماسی انرژی به‌دست آورد، می‌توان به امضای تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری با گازپروم و

فرهنگی، خود را یک کشور/تمدن تأثیرگذار می‌پندارد (موسوی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۱۸).

همان‌طور که سیاست همسایگی، رویکردهای هژمون‌گرایی را برنمی‌تابد، دیپلماسی انرژی نیز نیازمند رویکردهای برابری است. چنین رویکردی سبب می‌شود تا کشورهای همسایه تمایل و اراده بیشتری به‌منظور همکاری در بخش انرژی باشند. با توجه به اینکه دولت سیزدهم عملاً سیاست داخلی و خارجی خود را در ارتباط با برجام و روابط با غرب تعریف نکرده؛ بنابراین کوشید تا با استفاده از ظرفیت همسایگی، تحریم‌های اقتصادی را خنثی کند. در این راستا، محسن رضایی، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، گسترش روابط با همسایگان را بخشی از سیاست دولت برای رفع و خنثی‌سازی تحریم‌ها عنوان کرد.^۶

6. <http://www.taghribnews.com/vdca0mnm049nei1.k5k4.html>

7. <http://178.22.123.176:8080/files/1653657929.pdf>

اسلامی را شکل داده‌است. در این میان، تشابه الگوی منطقه‌گرایی میان دولت‌سازندگی و اعتدال به دلیل فقدان متغیر فردی، نتیجه متفاوتی در پی داشته‌است.

در مقابل، اگرچه دولت خاتمی به طرح ایده‌های گفتگو محور و فرهنگی روی آورده و سعی در توسعه روابط منطقه‌ای از این زمینه داشت، اما به دلیل اولویت همکاری با اروپا و غرب نتوانست دستاورد محسوسی در این زمینه به دست آورد.

در دولت احمدی‌نژاد به دلیل پیگیری سیاسی تجدیدنظر طلبانه انقلابی و تقابل با قدرت‌های غربی از یک‌سو و افزایش هراس همسایگان از قدرت روزافزون هسته‌ای ایران، تحریم‌ها به شدت افزایش یافته و دولت ناگزیر دیپلماسی انرژی را از دریچه کانال‌های غیررسمی دنبال می‌کند.

در دولت رئیسی، منطقه‌گرایی فرهنگی با ضرورت خنثی‌سازی تحریم‌های غرب عجین شده و رهیافت دیپلماسی انرژی مستقل ضدتحریمی را طی ۲ سال اخیر ایجاد کرد که در این مدت توانست دستاوردهای قابل توجهی به دست آورد.

به نظر می‌رسد با وجود اینکه همه دولت‌های پس از جنگ تحمیلی تمایل وافری به بهبود روابط با همسایگان داشتند، اما به دلیل تعریف نادرست سازوکارها، توفیق محسوسی در این زمینه حاصل نشده‌است. در دولت سیزدهم، از یک‌سو با اتخاذ سیاست همسایگی به‌عنوان ستون فقرات سیاست خارجی و از سوی دیگر وابسته نکردن توسعه همکاری‌ها با همسایگان به روابط با غرب، دیپلماسی انرژی توانست جان تازه‌ای به خود بگیرد.

در این دوره، دولت رئیسی با در پیش گرفتن منطقه‌گرایی فرهنگی و درک این مهم که توسعه همکاری‌های اقتصادی با همسایگان می‌تواند

نیز تفاهم‌نامه همکاری نفتی با قزاقستان اشاره کرد^۸. به نظر می‌رسد در این رابطه می‌توان گفت، سیاست همسایگی سبب شده تا دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم به سمت رهیافت «متوازن ضدتحریمی» حرکت کند.

همان‌طور که در تصویر شماره ۸ مشاهده می‌شود، سیاست همسایگی که رویکردی جامع در ارتباط با همسایگان است، به بهبود عملکرد دیپلماسی انرژی کمک می‌کند. اساساً اثرگذاری راهبرد منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متضمن و مستلزم تلاش برای تحقق همه سطوح و اشکال‌گرایی و همکاری در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی در گستره منطقه آسیای جنوب غربی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۷). این موضوع باعث شده تا دیپلماسی انرژی نیز کارکردهای منطقه‌ای خود را به درستی انجام دهد (تصویر شماره ۷).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت رهیافت‌های منطقه‌گرایی در سیاست خارجی دولت‌های مستقر در جمهوری اسلامی ایران به‌وضوح سبب شد تا دیپلماسی انرژی طی سال‌های گذشته نیز عملکرد و صورت‌بندی متفاوتی به خود بگیرد.

از دولت‌های سازندگی به بعد، هرکدام الگوی منطقه‌ای مشخصی را دنبال کرده‌اند. این الگوها به‌طور مشخص در پاسخ و در مقابله با رفتارهای سلطه‌جویانه و فشارهای سیستمی کنش‌گر ثالث که به‌طور مشخص دشمنی‌های ایالات متحده بوده، رفتار سیاست خارجی دولت‌های پس از انقلاب

8. <https://dolat.ir/detail/389626>

به‌عنوان یک سازوکار، تحریم‌ها را خنثی کند، دیپلماسی انرژی را به مثابه یک ابزار هم‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارتقا داد.

اگرچه وجود برخی چالش‌های امنیتی و سیاسی همچنان به‌عنوان یک معضل می‌تواند پیاده‌سازی نظریه همسایگی را با چالش روبه‌رو کند؛ با این حال، دولت سیزدهم در عمل نشان داد مزیت عملی و عینی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای و در تعامل با همسایگان شکل می‌گیرد (تصویر شماره ۸).

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که زمینه چاپ و انتشار این مقاله را فراهم کرده‌اند، قدردانی می‌کنم.

منابع فارسی

- خبیری، ک.، و محمدی، م. (۱۳۹۶). تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۷)، ۸۳-۱۰۴.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۹۳). گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱ (۱) ۲۸، ۱-۳۹.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۶). ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه نگرش راهبردی*، ۸۷، ۸۸-۵۷.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت نهم. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳، ۷۴-۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲ (۵)، ۱۱۶-۹۹.
- رضایی، ع. (۱۴۰۰). سیاست خارجی مطلوب دولت رئیسی، الگوی نظم عدالت‌محور مبتنی بر راهبرد موازنه نرم. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۱۷ (۵)، ۲۳-۱.
- رضایی، ع. ر. و ترابی، ق. (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۵ (۵)، ۱۶۱-۱۳۱.
- رضوی، س. ع. و نصرافهانی، م. (۱۳۹۹). بررسی تحلیل اثرات سیاست‌های انرژی ترامپ بر امنیت بازارهای نفت خام ایران. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۹ (۳۵)، ۱۳۴-۱۰۱.
- زارعی، ب. دل‌شادزاده، ج.، موسوی‌شهیدی، س. م. و علوی، س. م. (۱۳۹۴). منطقه‌گرایی و چالش‌های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۷ (۴)، ۷۵۸-۷۴۳.
- شیرغلامی، خ. (۱۴۰۰). سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: مبانی اقتصادی. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳ (۳)، ۶۴-۴۹.
- صادقی، ا. دهقانی فیروزآبادی، س. ج. و آجیلی، ه. (۱۳۹۷). بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۱ (۴۳)، ۱۰۵-۷۳.
- آجیلی، ه. و واجدی‌روشن، س. ع. (۱۳۹۳). بررسی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران: دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱ (۱) ۲۸، ۱۲۵-۹۹.
- آقایی، س. د. (۱۳۸۶). جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی. *فصلنامه سیاست*، ۳۷ (۳)، ۲۸-۱.
- آل آقا، پ. و جوانمرد، س. (۱۳۹۹). بررسی و نقد اصول سیاست خارجی دولت هفتم و هشتم بر توسعه و نظام بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات منافع ملی*، ۵ (۲۰)، ۱۲۹-۱۰۹.
- احمدی‌خوی، ا. ر.، متقی، ا. و نیاکویی، س. ا. (۱۳۹۷). آرمان‌گرایی راهبردی و عملگرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۴ (۴۹)، ۱۱۲-۸۲.
- اسلامیان، م. و حبیبی، ر. (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲ (۲)، ۳۳۷-۳۶۵.
- اطهری، س. ا. و خانی، ر. (۱۳۹۵). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم، براساس تئوری جیمز روزنا. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۶)، ۲۶-۱.
- امینی، آ. (۱۳۹۵). تأثیر تحریم‌های اعمال‌شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران، مقایسه موردی دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۱۲۶-۹۹ (۳۱).
- برزگر، ک. (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲ (۵)، ۴۰-۲۳.
- جعفری، ع. ا. و جانباز، د. (۱۳۹۵). تنوع‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵ (۱۶)، ۱۲۱-۹۳.
- خسروی باباناری، م. (۱۳۹۶). رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۹)، ۵۸-۳۱.

معین‌الدینی، ج. و انتظارالمهدی، م. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی. *دانشنامه علوم سیاسی*، ۲(۳)، ۲۱۶-۱۸۹.

ملکی، م. ر. و رازقندی، ا. (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی و دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۶، ۱۳۲-۱۰۷.

موسوی، س. ر. (۱۳۸۷). اولویت سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی. *فصلنامه راهبرد*، ۴۷، ۹۶-۷۹.

نادری، م. (۱۳۹۴). سیاست خارجی ایران در دولت اصلاحات نسبت به اتحادیه اروپا از منظر سازه‌انگاری. *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، ۶(۱۶)، ۹۲-۴۱.

نوری، و. (۱۳۸۹). اولویت‌های جغرافیایی عقیدتی در سیاست خارجی دولت نهم. *فصلنامه راه‌آورد سیاسی*، ۲۸ و ۲۹، ۲۷-۵۲.

واعظی، ط. (۱۳۹۸). الزامات سیاست همسایگی در دوره تحریم‌ها. *فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی*، ۸۶، ۹۲-۸۷.

صادقی، س. ش. (۱۳۹۰). فرصت‌ها و موانع همکاری‌های راهبردی ایران و هند در اقتصاد سیاسی جهانی انرژی. *فصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، ۳(۹)، ۵۴-۲۹.

صبوری، ض. (۱۳۹۸). اعتبارسنجی کارآمدی رویکرد اعتدالی در سیاست خارجی ایران و راهبردهای منطقه‌ای دولت دوازدهم. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۹(۴)، ۸۳-۱۱۴.

سفوی، س. ح. و فرهادی، ف. د. (۱۴۰۰). سیاست همسایگی: رهیافتی برای جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳(۳)، ۳۴-۵.

عباسی، ا.، صالحی، س. ج. و حسن‌وند، م. (۱۳۹۵). دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی (۲۰۱۵-۱۹۹۷). *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱۷(۱۱)، ۱۵۱-۱۱۷.

علی اکبرپور، ر. و کشیشیان سیرکی، گ. (۱۳۹۹). تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دولت یازدهم. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱(۱)، ۲۶۶-۲۲۷.

عیوضی، م. ر. (۱۳۸۷). تحلیلی بر سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد. *راهبرد یاس*، ۱۴، ۲۳۰-۲۰۹.

قنبری، ل. (۱۳۹۶). دیپلماسی انرژی و توسعه اقتصادی. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳(۴)، ۲۰۸-۱۸۱.

کاویانی‌راد، م. و مالداری، ح. (۱۳۹۶). تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴(۴)، ۸۵۵-۸۴۱.

کمالی‌اردکانی، م. (۱۳۹۵). تأثیرات برجرام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹(۲)، ۸۲-۵۳.

مرندی، س. ع. (۱۴۰۰). سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌ها و بایسته‌ها. *فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی*، ۱۱۵.

مسعودنیا، ح. و نجفی، د. (۱۳۹۰). ارکان سیاست منطقه‌ای ایران در دوران سازندگی با تکیه بر خطبه‌های نماز جمعه تهران. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۳(۶)، ۱۰۲-۷۷.

References

- Abasi, E., Salehi, S. J., & Hasanvand, M. (2015). [Iran's nuclear diplomacy in the governments of Khatami, Ahmadinejad and Rouhani (1997-2015) (Persian)]. *Journal of Political and International Approaches*, 7(1), 117-151. [Link]
- Aghaei, S. D. (2007). [The place of Eu In Iranian foreign policy from 1989-1997 (Persian)]. *Journal of Faculty of Law and Political Science*, 37(3), 1-28. [Link]
- Ahmadi Khoy, A. R., Mottaghi, E., & Niakoe, S. A. (2018). [Strategic ideals and tactical pragmatism in Iran's Middle East policy (Persian)]. *International Quarterly of Geopolitics*, 14(49), 82-112. [Link]
- Ajili, H., & Vajedi Roshan, S. A. (2014). [Investigating the energy diplomacy of the Islamic Republic of Iran: The presidency of Mr. Khatami and Mr. Ahmadinejad (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 28(1), 99-125. [Link]
- Alagha, P., & Javanmard, S. (2020). [Examining and criticizing the foreign policy principles of the seventh and eighth governments on development and the international system (Persian)]. *Journal of National Interest Studies*, 20, 109-129. [Link]
- Aliakbarpour, R., & Keshishyan Siraki, G. (2020). [Evolution of the concept of power in Iran's regional policy in the 11th government: A reading on the Saudi Arabia response to it (Persian)]. *Quarterly Journal of World Politics*, 9(1), 227-266. [DOI:10.22124/WP.2020.14802.2326]
- Amini, A. (2016). [The impact of sanctions imposed on oil sales and exchange rate fluctuations in Iran; Case comparison of the second term of the presidency of Khatami and Ahmadinejad (Persian)]. *Journal of Political Studies*, 8(31), 99-126. [Link]
- Athari, S. A., & Khani, R. (2016). [Analysis of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the 9th and 10th governments; Based on the theory of James Rosena (Persian)]. *Political and International Researches Quarterly*, 7(26), 1-25. [Link]
- Barzegar, K. (2009). [Regionalism in Iran's foreign policy (Persian)]. *Journal of Central Eurasia Studies*, 2(5), 23-40. [Link]
- Boås, M., Marchand, M. H., & Shaw, T. M. (2003). The weave-world: The regional interweaving of economies, ideas and identities. In F. Söderbaum, & T. M. Shaw (Eds), *Theories of new regionalism. International political economy series*. London: Palgrave Macmillan.. [DOI:10.1057/9781403938794_11]
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2014). [The discourse of moderation in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 28(1), 1-39. [Link]
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2007). [The necessity and requirements of regionalism in realizing the regional superiority of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Strategic Approach*, 87, 57-88. [Link]
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2008). [Foreign policy of Ninth Iranian Administration (Persian)]. *Political and International Approaches Quarterly*, 13, 35-74. [Link]
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2009). [Changes in the theories of regionalism (Persian)]. *Journal of Central Eurasia Studies*, 2(5), 99-116. [Link]
- Eivazi, M. R. (2008). [An analysis of the foreign policy of Dr. Mahmoud Ahmadinejad (Persian)]. *Rahbord-e-Yas*, 14, 209-230. [Link]
- Eslamian, M., & Habibi, R. (2020). [Political economy in the foreign policy of Iran; Emphasizing the foreign policy of the developmentalist government (Persian)]. *Foreign Relations*, 12(2), 337-365. [Link]
- Gehring, T. (1996). Integrating integration theory: Neo-functionalism and international regimes. *Global society*, 10(3), 225-253. [DOI:10.1080/13600829608443111]
- Ghanbari, L. (2018). [Energy diplomacy and economic development (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 31(4), 181-208. [Link]
- Haas, E. (2001). Does constructivism subsume neofunctionalism. In T. Christiansen, & K. E. Jorgensen (Eds), *The social construction of Europe*. California: Sage [DOI:10.4135/9781446221105.n2]
- Hancock, K. J., Palestini, S., & Szulecki, K. (2020). The politics of energy regionalism. In K. J. Hancock, & J. E. Allison (Eds), *The Oxford handbook of energy politics*. Oxford: Oxford Academic. [DOI:10.1093/oxfordhb/9780190861360.013.5]
- Hartmann, B., Sam, S., & Sousa, B. (2020). the rise of regional oil markets: United States shale could Herald Regional oil revolution. Retrieved from: [Link]

- Marandi, S. A. (2021). [The neighborhood policy of the Islamic Republic of Iran, problems and issues (Persian)]. *Did-e-Ban-e- Amniat-e- Meli*, 115.
- Niemann, A., Lefkofridi, Z., & Schmitter, P. C. (2018). Neofunctionalism. In A. Wiener, T. A. Börzel, & T. Risse (Eds.), *European integration theory*. Oxford: Oxford University Press. [DOI:10.1093/heapl/9780198737315.003.0003]
- Preštowitz, C., & Carliner, B. (2008). *Israel 2020: A strategic vision for economic development*. Washington: Economic Strategy Institute. [Link]
- Razavi, S. A., & Nasr Esfahani, M. (2021). [Strategic reflection on the effects of US Government policies on the security of Iranian crude oil markets (Persian)]. *Political Strategic Studies*, 9(35), 101-134. [Link]
- Rezaei, A. (2021). [Desirable foreign policy of Ebrahim Raisi government; Justice-oriented order model based on soft balance strategy (Persian)]. *Journal of Political Strategy*, 5(17), 1-23. [Link]
- Rezaei, A., & Torabi, G. (2013). [The foreign policy of Hassan Rouhani, constructive interaction within the framework of development oriented government (Persian)]. *Political and International Scientific and Research Quarterly*, 5(15), 131-161. [Link]
- Sabouri, Z. (2020). [Validation of the effectiveness of the moderate approach in Iran's foreign policy and regional strategies of the twelfth government (Persian)]. *International Relations Research Quarterly*, 9(4), 83-1114. [Link]
- Sadeghi, S. Sh. (2011). [Opportunities and obstacles of strategic cooperation between Iran and India in the global political economy of energy (Persian)]. *Journal of Sub-continent Researches*, 3(9), 29-54. [Link]
- Sadeghi, A., Dehghani Firouzabadi, S. J., & Ajili, H. (2018). [Requirements of Iranian energy diplomacy in international political economy (Persian)]. *Studies of International Relations Journal*, 11(43), 73-105. [Link]
- Safavi, S. H., & Farhadi, F. (2021). [Neighborhood policy: An approach for the Islamic Republic of Iran in the regional order of West Asia (Persian)]. *Foreign Policy*, 35(3), 5-34. [Link]
- Heijmans, M. O. (2011). Conceptualizing economic diplomacy: The crossroads of international relations, economics, IPE and diplomatic studies. *The Hague Journal of Diplomacy*, 6(1-2), 7-36. [DOI:10.1163/187119111X566742]
- Hettne, B. (2003). The new regionalism revisited. In F. Söderbaum, & T. M. Shaw (Eds.), *Theories of new regionalism. international political economy series*. London: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1057/9781403938794_2]
- Hveem, H. (2003). The regional project in global governance. In F. Söderbaum, & T.M. Shaw (ds.), *Theories of new regionalism. international political economy series*. London: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1057/9781403938794_5]
- Jafari, A. A., & Janbaz, D. (2016). [Diversity of discourse of foreign policy and aspects of Iran's New nuclear diplomacy (Persian)]. *Political Strategic Studies*, 5(16), 93-121. [Link]
- Johnson, C., VanDeveer, S. D. (2021). Energy regionalisms in theory and practice, *Review of Policy Research*, 1, 1-20. [DOI:10.1111/ropr.12422]
- Kamali Ardakani, M. (2017). [The impacts of the Barjam on Iran's foreign trade (Persian)]. *Strategic Studies Quarterly*, 19(2), 53-82. [Link]
- Kaviani Rad, M., & Maldari, H. (2018). [The influence of geopolitical situation on national strategy (case study: Southeast Iran) (Persian)]. *Human Geography Research Quarterly*, 49(4), 841-855. [Link]
- Kheibari, K., & Mohamadi, M. (2017). [Impact Of Barjam on Iran's position in West Asian equations (Persian)]. *Studies of International Relations Journal*, 10(37), 83-104. [Link]
- Khosravi, M. (2017). [Iran's foreign policy approach towards Middle East regional order and security under 11th government (Persian)]. *Studies of International Relations Journal*, 10(39), 31-58. [Link]
- Mattli, W. (1999). Explaining regional integration outcomes. *Journal of European Public Policy*, 6(1), 1-27. [DOI:10.1080/135017699343775]
- Moeinoldeini, J., & Entezarolmahdi, M. (2009). [The foreign policy of the Islamic Republic of Iran during the presidency of Mr. Hashemi Rafsanjani and Mohammad Khatami (Persian)]. *Daneshname*, 3, 189-216. [Link]

- Shirgholami, Kh. (2021). [The neighborhood policy of the Islamic Republic of Iran: Economic basics (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 35(3), 49-64. [\[Link\]](#)
- Zarei, B., Delshadzi, J., Musavi Shahidi, S.M., & Alavi, S. M. (2016). [Regionalism and the challenges of regionalism in Iran foreign relations (Persian)]. *Human Geography Research*, 47(4), 743-758. [\[Link\]](#)
- Masoudnia, H., & Najafi, D. (2011). [Elements of Iran's Regional policy during reconstruction period with emphasis on Friday prayers sermons (Persian)]. *Political and International Scientific and Research Quarterly*, 3(6), 77-102. [\[Link\]](#)
- Maleki, M. R., & Razghandi, E. (2011). [General diplomacy and Ahmadinejad's government: The micro level game in the Middle East (Persian)]. *Political Science Quarterly*, 16, 107-132. [\[Link\]](#)
- Mousavi, S. R. (2008). [The priority of Iran's foreign policy in the construction period (Persian)]. *Rahbrd*, 47, 79-96. [\[Link\]](#)
- Naderi, M. (2015). [Iran's foreign policy in the reform government to the European Union from the structural point of view (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 6(16), 41-92. [\[Link\]](#)
- Noori, V. (2010). [Ideological geographical priorities in the foreign policy of the 9th government (Persian)]. *Rah Avard-e- Siasi*, 28-29, 27-52. [\[Link\]](#)
- Vaezi, T. (2019). [Analysis; The requirements of Iran's neighborhood policy during the period of sanctions (Persian)]. *Did-e-Ban-e- Amniat-e- Meli*, 86, 87-92. [\[Link\]](#)